



گرب کمونیست کارگری - نکمونیست

۱۳۹۰ دیهشت ۱۳
۲۹ آوریل ۲۰۱۱

خالد حاج محمدی

طعم شیرین پیروزی
پتروشیمی ها در آستانه
اول مه



اعتصاب کارگران پتروشیمی ماهشهر، بعد از ۱۱ روز، سه شنبه ۳۰ فروردین با موفقیت پایان یافت. خواست اصلی کارگران حذف پیمانکاران واسطه ای و انعقاد قرارداد مستقیم پتروشیمی با کارگران و لغو قراردادهای موقت بود. این اعتصاب ادامه اعتراض آنها در ۲۸ اسفند ۱۳۸۹ بود که مدیریت با تهدید و وعده و بهانه نوروژ و درخواست فرصت برای بررسی و اجرای مطالبات آنها توانست اعتصاب کارگران را به عقب بیندازد. روز ۳۰ فروردین بدنبال سه ساعت مذاکره نمایندگان کارگران اعتصابی با مدیریت پتروشیمی و با حضور نماینده ماهشهر، فرماندار، رییس اداره کار و چندین تن از پرسنل امور اداری پتروشیمی بندر امام، سرانجام نماینده گان پتروشیمی و دولت به مطالبات کارگران تن دادند و اعتصاب ۱۱ روزه کارگران با موفقیت پایان یافت. توافقات کتبی نماینده های کارگران با مدیریت پتروشیمی که به امضای نماینده های کارگران، مدیریت پتروشیمی، فرماندار، نماینده

آذر مدرسی

زمانیکه بورژوا هم
کارگر میشود!



اول مه امسال جنب و جوشی را در میان نیروهای جنبش ملی - اسلامی دامن زده است. از شورای هماهنگی راه سبز امید گرفته تا جبهه ملی و حزب مشروطه، البته شاخه لیبرال دمکرات آن، نهادهای ائتلافی سبز در خارج کشور و سازمانهای موسوم به چپ امسال بر بستر فقر و فلاکتی که به طبقه کارگر تحمیل شده و بویژه بر متن گسترش اعتراضات کارگری در ایران، فضا را "مناسب" دیده و در اول مه یکبار دیگر تلاش میکنند با ظاهر کارگر پناهی خود طبقه کارگر را

کارگران جهان متحد شوید!

به دنبالچه جنبش ارتجاعی سبز تبدیل کنند. انقلاب ۵۷ ایران، انقلاب مصر و تونس و زرنه طبقه کارگر در تحولات سیاسی را نه فقط برای خود طبقه کارگر که برای بورژوازی هم بیش از پیش برجسته کرده، بطوریکه بورژوازی که ادامه حیاتش به استثمار طبقه کارگر گره خورده، بورژوازی که تا دیروز طبقه کارگر برایش معنی جز تولید سود نداشت، امروز به یاد مصائب و فشار اقتصادی و بی حقوقی کارگر افتاده است. حزب مشروطه بعنوان نماینده بخشی از

صفحه ۴

پیام تبریک و همبستگی کارگران پتروشیمی تبریز با کارگران

مجتمع های پتروشیمی ماهشهر

صفحه ۲

کردستان عراق پادگان نیست

نیروهای نظامی، فورا شهرها و محل کار و زیست مردم را ترک کنند
(مصاحبه با رحمان حسین زاده)



دستگیر شده و یک نفر جانباخته است. این واقعه نه انعکاس قدرت آنها، بلکه انعکاس استیصال حاکمیت بورژوازی فاسد در کردستان در قبال مردم و عدم جوابگویی آنها به خواسته های برحق کارگران و مردم است. با میلیتاریزه کردن و ایجاد حکومت نظامی هم اکنون و در کوتاه مدت تناسب قوا را علیه مردم تغییر داده و تحرك اعتراضی مردم را به عقب رانده اند، اما سوال اینست تا چه زمانی میتوانند چنین نیروی نظامی غیر محلی را بالای سر مردم نگه دارند؟ در اوضاع جدید منطقه که یکی پس از دیگری حاکمان از اینها قویتر و مستبدتر و قلدترتر با اتکا به نیروی نظامی قویتر از مقابل با مردم عاجز مانده اند، بعید است ائتلاف شکننده و پر تناقض دو حزب بارزانی- طالبانی بتوانند بر مردمی دوباره تسلط یابند که دو ماه است در ابعاد توده ای به میدان آمده و علیه

صفحه ۳

ثابتی از سیاست احزاب راست و میانه بوده است. در دو سال گذشته و با عروج بحران اقتصادی بخشی از این سیاستها را در اخراج دسته جمعی رومیان ساکن فرانسه، دیپورت و اخراج دهها هزار نفر در انگلیس و سایر کشورهای اروپایی دیدیم. تحولات شمال آفریقا و خاورمیانه ابعاد جدیدی به تعرض دولتهای اروپایی به پدیده مهاجرت بخشیده است. در آغاز

صفحه ۳

سیف خدایاری

شینگن در چنبره
راسیسم دولتی



سیاستهای ضد پناهنده و مهاجرتی دولتهای اروپایی از چند دهه قبل بخش

سعید آرمان

این توطئه خونین را باید در نطفه خفه کرد

در حاشیه امضای قرارداد استردا "مجرمین"



که در ادبیات سیاسی جمهوری اسلامی مجرم اطلاق میشود، را به همدیگر تحویل بدهند. همزمان در حضور رئیس قوه قضائیه ایران (آیت الله املی لاریجانی) دو قرارداد دیگر با عناوین "انتقال محکومان به حبس" و "معاضدت (همکاری) قضایی در امور کیفری" میان دو دولت مجرم امضا شده است.

صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

طعم شیرین پیروزی پتروشیمیها...

ماهشهر و دیگر شرکت کنندگان در جلسه رسیده بود، بعد از قرائت برای کارگران و پذیرش آن از سوی آنان، رسمیت یافت و کارگران از صبح روز چهارشنبه و پس از ۱۱ روز اعتصاب متحدانه بر سر کارهای خود بازگشتند. متن توافقات کتبی کارگران پیمانکاری پتروشیمی بندر امام با مدیریت این مجتمع طبق اخبار منتشره و اطلاعیه اتحادیه آزاد کارگران ایران، به شرح زیر است:

۱- مدیریت پتروشیمی از کارگران ۳ ماه مهلت گرفت تا در طول این مدت کلیه مراحل اجرای مصوبه برچیده شدن شرکت‌های پیمانکاری و طی مراحل اداری آن را در پتروشیمی بندرامام و وزارت نفت را به انجام برساند. اجرای این بند را در طول سه ماه ظرفکار مدیر عامل پتروشیمی و نماینده مردم ماهشهر در مجلس ضمانت کردند.

۲- قرار شد ۲۵ نفر نماینده منتخب کارگران با مدیران عامل مجتمع های مربوطه خود وارد مذاکره شوند تا از ۳۷ آئیم مزایایی که به پرسنل رسمی داده می شود، آن آئیم هائی که در توان مجتمع پتروشیمی بندرامام هست همزمان با پرسنل رسمی به کارگران پیمانکاری نیز پرداخت شود.

۳- مدیر عامل پتروشیمی متعهد شد تا زمان اجرای مصوبه برچیده شدن شرکت‌های پیمانکاری، مسئله پرداخت مستقیم بیمه و مالیات کارگران از سوی پتروشیمی به این شرکت ها ابلاغ شود و پس از پرداخت مستقیم آن توسط پتروشیمی مبالغ آن از صورت وضعیت پیمانکار کسر شود تا هیچگونه تقلبی از این لحاظ توسط شرکت‌های پیمانکاری انجام نگیرد.

۴- آقای ظرفیکار و نماینده ماهشهر متعهد و تضمین نمودند شرکت‌های پیمانکار در قبال ایام اعتصاب کارگران به هیچ وجه حق ندارند: ۱- به هیچیک از کارگران فشاری وارد کنند و حق اخراج هیچ کارگری را ندارند ۲- حقوق تمام روزهای ایام اعتصاب به شکل تمام و کمال و بدون هیچگونه کم و کسری به کارگران پرداخت شود. در صورت مشاهده تخلف از این توافق مدیریت پتروشیمی ملزم به برخورد با شرکت متخلف شده است

موقفیت اعتصاب کارگران پتروشیمی ماهشهر با فاصله بسیار کمی از موفقیت کارگران پتروشیمی تبریز که همین مطالبات را خواستار شدند، دستاوردی ارزشمند برای طبقه کارگر و خصوصا برای کل کارگران پیمانکاری و پتروشیمی است.

حذف پیمانکاران واسطه ای و انعقاد قرارداد مستقیم با کارگران و لغو قراردادهای موقت، یکی از مطالبات اصلی طبقه کارگر ایران در بخش اعظم مراکز صنعتی، تولیدی، خدماتی و.. است. درست در شرایطی که حدود ۸۰ درصد از کارگر ایران در مهمترین مراکز صنعتی و تولیدی و.. با قراردادهای موقت و بدون هیچ امنیت شغلی و کمترین مزایائی مشغول کارند، موفقیت کارگران پتروشیمی در تبریز و اکنون در ماهشهر امیدواری بزرگی برای کل طبقه کارگر است که با اتکا بر این دستاوردها و تجارب کارگران این مراکز، متحدانه همین مطالبات را در سایر بخشها به دولت و سرمایه داران تحمیل کند. کارگران پتروشیمی تبریز و ماهشهر به کل طبقه کارگر ایران راه نشان دادند و با اتحاد و استقامت و هوشیاری خود دیوار بلند بردگی را در یکی از میدانهای اصلی و جدالهای خود با سرمایه دارن لرزانند.

تجارب این تحرک مهم برای طبقه کارگر ایران آموزنده است. توقع می رود که این کار ارزشمند، تلاشی که فعالین و رهبران کارگری در پتروشیمی انجام دادند و تجارب ارزشمند آنها، به گوش بقیه کارگران برسد. همبستگی وسیع در میان کارگران پتروشیمی، پیوستن کارگران مراکز سایر مجتمع های پتروشیمی منطقه از جمله امیرکبیر، خوزستان، شیمیائی رازی، تندگویان، بوعلی و اروند به اعتصاب و دفاع و اعلام همبستگی آن با کارگران بندر "ماهشهر"، امکان پیروزی کارگران را ده چندان افزایش داد. دخالت مستقیم کارگران اعتصابی در تصمیمات و تبدیل شدن تجمع آنها به مرکز بحث و تبادل نظر و همفکری و سرانجام اتخاذ تصمیم مشترک، مذاکره مستقیم نمایندگان آنها با دولت و مدیریت، همکاری نزدیک خانواده های آنها و کمک به اعتصاب، درسهای ارزشمند این تحرک کارگری بود. همزمان پیامهای همبستگی و دفاع بخشهای دیگر طبقه کارگر از کارگران اعتصابی از جمله پیام همبستگی کارگران پتروشیمی تبریز و شرکت واحد و.. همدلی و همسرنوشتی، ارزش و اهمیت همبستگی طبقاتی کارگران را تقویت کرد.

در این ۱۱ روز کارگران پتروشیمی بارها دور هم جمع شدند، تلاش کردند توطئه های مدیریت و دولت و نمایندگان رنگارنگ آنها را افشا کنند، با هوشیاری تلاش کارفرما و دولت را که تعدادی از کارگران بسیجی را علیه اعتصاب و برای راه انداختن جنگ و دعوا و شکستن اتحاد کارگران و اعتصاب آنها، فریب داده بودند، خنثی کردند.

در این اعتصاب طبیفی از رهبران و فعالین نمایندگی کارگران را داشتند، خود تجربه کسب کردند، پشتیبانی کل کارگران از آنان به عنوان نماینده منتخب شان، ارتباط همیشگی و مشورت و تصمیمات مشترک در این مدت، کل پتروشیمی ماهشهر را به ظرف تشکیل کارگران و به ستاد اعتصاب تبدیل کرد. در کل این پروسه مجمع عمومی کارگران پتروشیمی به عنوان ظرف تصمیم گیری و دخالت مستقیم کارگران در کل تصمیمات و سیر اعتصاب عمل کرد. سازماندهی وسیع و توده ای با ارتباطات همیشگی با بخشهای دیگر پتروشیمی، کل این بخش را زنجیروار حول امر مشترک و مطالبات واقعی و مهم و سراسری به هم وصل کرد. بدون تردید حفظ این رشته به هم تنیده و اهمیت ارتقا آن برای ادامه مبارزات و کسب دستاوردهای دیگر و قدمهای بعدی را، فعالین و کارگران آگاه پتروشیمی در نظر دارند.

جایگاه مجمع های پتروشیمی به عنوان مراکز مهم صنعتی و پر سود ایران، به عنوان یکی از شاهرگ های مهم اقتصاد ایران، و شروع اعتصاب در این مراکز که در حقیقت نقش و تاثیر و قدرت پرولتاریای صنعتی ایران را نشان داد، حلقه مهم و تعیین کننده در این موفقیت بود. پتروشیمیها در تبریز و هم در ماهشهر، نه طومار نوشتند و نه در مقابل مجلس و دفتر ریاست جمهوری جمع شدند، بلکه با اتکا به قدرت خود در تولید سود سرمایه و قطع این سود با اعتصاب خود، مجلس و دولت و اداره کار و فرمانداری و مدیریت ماهشهر را به محل کار و اعتصاب خود کشاندند. روزانه دهها اعتراض و اعتصاب کارگری در گوشه و کنار این مملکت اتفاق خواهد افتاد که متأسفانه به دلایل مختلف موفقیت چندانی نصیب کارگران نمیشود. اما پتروشیمیها از بازوی قدرت طبقه کارگر ایران اند و موفقیت آنها در این حرکت راه را برای سایر بخشهای و مراکز کارگری هموار کرد.

طعم شیرین پیروزی پتروشیمیها در آستانه اول مه و درست در اوضاعی که نسیم تحولات مهم دنیای عرب بر منطقه وزیده است، امیدواری و اعتماد به نفس کل طبقه کارگر، به رهبران و فعالین کارگری را و اهمیت اتکا به توان و قدرت خود را بالا خواهد برد. اعتصاب ماهشهر نشان داد که طبقه کارگر ایران تنها با اتکا به قدرت خود، با اتکا به اتحاد و همبستگی طبقاتی خود، حول مهمترین مطالباتش میتواند بهبودی در زندگی خود ایجاد کند.

پیام تبریک و همبستگی

کارگران پتروشیمی تبریز با

کارگران مجتمع های

پتروشیمی ماهشهر

دوستان و همسنگران کارگر،

پایداری و استقامت تحسین انگیز شما در پیگیری مطالبات برحق مشترکمان که ملهم از درد و سرنوشت مشترکمان میباشد، و نیز پایان موفقیت آمیز اعتصاب پرصلابت شما، دلهای ما را غرق در افتخار و غرور نمود.

ما کارگران پتروشیمی تبریز که لحظه به لحظه پیگیر حرکت قهرمانانه شما بودیم، همبستگی مبارزاتی خود را با شما برادران کارگر اعلام نموده و انتظار داریم، در تمام مراحل سخت حق طلبانه ما را یاور و پشتیبان خود بدانید.

هرچند صدها کیلومتر مسافت بین ما فاصله می اندازد ولی رنج و مبارزه مشترکمان، همچون اعضای یک خانواده در هر نقطه ای از جهان، قلب های ما را به هم پیوند داده و ما را متحد می سازد.

پیشاپیش اول ماه مه، روز همبستگی رزمجویانه کارگران جهان را به شما و تمام کارگران جهان تبریک می گوئیم.

کارگران پتروشیمی تبریز

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

کردستان عراق پادگان ...

وضع موجودند.

واضح است این تعرض نظامی گسترده به مردم از جانب حزب حکمیتست قویا محکوم است و سندی دیگر دال بر ماهیت ضد مردمی و ارتجاعی "دولت خودی کردی" و جریانات بورژوا ناسیونالیسم کرد است. ما همگام با حزب کمونیست کارگری کردستان و همه آزادخواهان کردستان عراق خود را در تداوم اعتراض و مبارزه ای که در دانشگاهها و مراکز تحصیل و در ادارات و در میان بخشهای معترض جامعه هم اکنون ادامه دارد، شریک میدانیم.

در جواب به بخش دوم سؤال، طبعاً با این تعرض نظامی وسیع، آن تحرک اعتراضی گسترده که در قالب مینتیکهای توده ای هر روزه در میدان آزادی و دیگر شهر و شهرکها وجود داشت، ادامه ندارد. اما تحرک اعتراضی به پایان نرسیده، اخبار رسیده حاکی است که در همین روزهای اخیر با ابتکارات جدید اعتراضات در ابعاد جدید، اساساً در دانشگاهها و مراکز تحصیل، در شکل اعتصاب و بایکوت کلاسهای درس و بعضاً در ادارات و بیمارستانها به شکل اعتصابهای کوتاه مدت ادامه دارد. در همین راستا حزب کمونیست کارگری کردستان و رهبران آن فراخوان به گسترش جنبش اعتراضی بر حق کارگران و مردم را به محلهای کار، به محلات همه شهرها و دانشگاهها و مدارس و ادارات را در دستور گذاشته اند، این روند جدید اگر بتواند همه گیر شود و به همه شهر و شهرکهای کردستان گسترش یابد، پیشرویهایی جدی میتواند به دنبال داشته باشد. و در اولین گامش حاکمیت نظامی کنونی را

بی ثمر میکند.

کمونیست: اشاره کردید که بیش از دو ماه شاهد اعتراضات توده ای مردم بودیم. احزاب حاکم به جای جوابگویی به مطالبات مردم، به سرکوب متوسل شدند. در این وضعیت آیا این جنبش اعتراضی دستاوردی برای مردم داشته است؟ با چه موانع و محدودیتهایی روبرو بود؟

رحمان حسین زاده: بررسی جامعتر دستاوردها و یا ناکامیها و محدودیتهای جنبش اعتراضی دو ماهه اخیر را به فرصت دیگری موکول میکنم. به ویژه ما علاقمندیم جمع بندی رهبری حزب کمونیست کارگری کردستان را به عنوان یکی از نیروهای درگیر در این تحولات را هم بشنویم. به نظرم جنبش اعتراضی دو ماهه در عرصه دستاوردهای بزرگ گامهای مهمی برداشت، اما متأسفانه مطالبات فوری سیاسی و مهمتر مطالبات فوری اقتصادی و بهبود زندگی کارگران و مردم هنوز متحقق نشده است. علت این واقعیت متناقض را در مسئله دست بالا پیدا نکردن راه حل و پیشنهادات حزب کمونیست کارگری کردستان و رهبری کمونیستی در این تحرک اعتراضی همگانی و لاجرم بالا دستی رهبری و راه حل لایه های دیگری از بورژوا ناسیونالیستها، و اسلامیهات تحت نام "اپوزیسیون" در این تحرک توده ای باید دید. مسئله رهبری پائین اشیل این حرکت بود. بعداً به آن برمیگردم. فعلاً مواردی از دستاوردها و محدودیتهای مهم را تاکید میکنم.

الف- در مورد دستاوردها: اولاً زیر سؤال رفتن ماهیت "دولت خودی کردی" افشاء شدن ماهیت ضد مردمی، ضد کارگری و ضد آزادیهای سیاسی حاکمیت دو حزب اصلی کردایه تی که دو دهه با اتکا به خرافه ناسیونالیسم و "دولت نوپای خودمان" خون مردم را

در شیشه کرده بودند، آن هم در ابعاد وسیع اجتماعی و میلیونی که در شرایط عادی سالها کارآگاهگرانه را از کمونیستها میطلبید. دوماً، تغییر مناسبات و تناسب قوای بین مردم و حاکمیت این احزاب و مدعی شدن مردم در قبال آنها. به میدان آمدن مردمی که سالها اراده آنها تحت حاکمیت بورژوازی و پمپاژ خرافه های آن پایمال شده بود. سوماً تجربه دو ماه حرکت توده ای و سازمانیابی و ابتکارات و آگاهگری سیاسی بسیار با ارزش. چهارم به میدان آمدن حزب کمونیست کارگری کردستان به عنوان یکی از نیروهای درگیر در مبارزات اجتماعی و جلب توجه جامعه به حضور خود و رهبران آن، سرآغاز مهمی برای اقدامات بعدی کمونیستها و حزب کمونیست کارگری کردستان است.

ب- در زمینه محدودیتهای و ناکامیها: اشاره کردم مطالبات اقتصادی و فوری در راستای بهبود زندگی کارگران و مردم محروم علیرغم وعده هایی که داده شده در این مدت به جایی نرسید و کارگر و مردم محروم بهبود ملموسی از مبارزه خود به نصیب نبردند، به همان شکل مطالبات فوری سیاسی، همچون آزادیهای سیاسی و غیره تضمین نشد. ارگانهای حاکمیت توده ای چون شوراها شکل نگرفتند. سازمانها و تشکلهای توده ای رادیکال کارگران و مردم و جوانان و زنان هنوز سازمان پیدا نکرده اند. عاملین کشتار و قتلهای اخیر به مردم معرفی نشدند. به علاوه محدود ماندن این جنبش اعتراضی به میدان آزادی و گسترش پیدا نکردن به مراکز کار و کارخانه، به محلات، به دانشگاهها و ... از موانع و محدودیتهای جدی بودند. کاری که بنا به ضرورت اکنون در راستای تداوم جنبش اعتراضی شروع شده است.

و مسئله محوری رهبری این جنبش اعتراضی همگانی اساساً تحت کنترل جریان ناسیونالیست "گوران- تغییر" و جریانات ارتجاعی اسلامی باقی ماند. این جریانات این اعتراضات را به عنوان سکوی پرش خود برای گرفتن سهم بیشتر از دخالت در قدرت سیاسی و تحکیم موقعیت خود در پارلمان و غیره میدیدند. مدوماً دنبال بند و بست و معامله با احزاب حاکم بودند. واضح است تلاش برای تحقق مطالبات اقتصادی و یا تامین آزادیهای سیاسی نه تنها امر آنها نبود، بلکه آنها هم درست مثل دو حزب حاکم نقطه مقابل این خواسته ها هستند. گوران و جریانات اسلامی خود ترمز کننده این مبارزات و عامل مهمی در ناکام ماندن این مبارزات بوده و هستند و به همین اعتبار باید وسیعاً رسوا و افشاء شوند.

بر عکس آنها حزب کمونیست کارگری کردستان به عنوان یکی از نیروهای درگیر در این مبارزه، در پلاتنوم اعلام شده خود و تا آنجا که در "شورای رهبری میدان آزادی سلیمانیه" نفوذ کلام معینی داشت، بر تحقق این مطالبات فوری اقتصادی و سیاسی و هدایت گام به گام این مبارزه در جهت پیروزی کارگران و مردم تاکید میکرد. اما پلاتنوم و راه حل کمونیستی حزب ما هنوز موقعیت رهبری کننده در این تحولات و در جامعه نداشت. در نتیجه یک درس بزرگ این دوره برای کارگران و مردم متحد شدن حول سیاست کمونیستها و حزب کمونیست کارگری کردستان در ادامه این مبارزه و در همین اعتصابات و اعتراضاتی است که هم اکنون ادامه دارد و علاوه بر مطالبات قبلی خواستار فوری پایان دادن به فضای میلیتاریزه و برچیدن نیروهای نظامی از شهرها و محل کار و زندگی مردم هستند.

شینگن در چنبره راسیسم ...

خارجی در جزیره وجود داشته باشد. روز هفدهم آوریل دولت فرانسه اصلی ترین نقطه مرزی خود با ایتالیا را مسدود نمود تا بزعم خود جلوی سیل مهاجران تازه وارد به فرانسه را بگیرد. روز بیست و پنجم آوریل نیز در یک نشست مشترک سارکوزی و برلوسکونی زمینه محدود نمودن تردد مهاجران ساکنان اروپا را فراهم نمودند. چنانچه طرح برلوسکونی و سارکوزی به فرجام خود برسد مسافرت بدون ویزای شهروندان اروپایی در حوزه شینگن متوقف خواهد شد. این تصمیم بدنبال تنش موجود بین فرانسه و ایتالیا بر سر ورود مهاجران جدید به

فرانسه گرفته شده و بروشنی و با صراحت کارگران مهاجر را نشانه گرفته است.

پشت سیاست عریان راسیستی سارکوزی و برلوسکونی احزاب راست نشسته اند. سارکوزی تحت فشار شدید رقیب انتخاباتی آینده خود یعنی جبهه ملی قرار دارد که خواهان برچیدن کامل ویزای شینگن شده است و برلوسکونی برای احیای حیثیت سیاسی خود به جلب توجه و رضایت حزب بیگانه ستیز لگاتورد نیاز دارد. منتها قبل از تحولات خاورمیانه احزاب میانه در آلمان، بلژیک، هلند و اتریش برای خشنود ساختن احزاب اولترا راست خواهان اعمال محدودیتهایی در ویزای شینگن شده بودند.

سیاست ضد مهاجرت را باید ادامه بزنند. باید جلوی این تعرض لجام تعرض نظام سرمایه داری به طبقه کارگر دانست. مهاجران کسانی جز نیروی کار ارزان نیستند که پس از تحمل مشقات فراوان و خطرات جدی خود را به ارتش نیروی کار ارزان (و ارتش بیکاران) در اروپا ملحق می کنند. آمارها در بدبینانه ترین حالت نشان از سهم ده درصدی نیروی کار ارزان کارگران مهاجر در درآمد ناخالص ملی کشورهایی مانند ایتالیا و اسپانیا دارد. اجرای محدودیت در ویزای شینگن فقط و فقط بر اساس محدود نمودن تردد کارگران مهاجر در اروپاست که برای فروش نیروی کار خود ناچار هستند با تردد در کشورهای مختلف چوب حراج به نیروی کار خود

مرگ بر جمهوری اسلامی!

زمانیکه بورژوا هم کارگر...

"بانوانشان" شد و از اسالو، مددی، رخشان و شهابی نام نبرد. نام بردن از آنها و خواست آزادی شان برای خالی نبودن عریضه است.

روز کارگر برای اینها روز همه چیز است جز روز اعتراض کارگر به بنیادهای سیستمی که اینها نماینده اش هستند.

برای جنبش سبز از راست تا چپ آن روز کارگر روز اعتراض به زندانی شدن رهنورد و کروبلی ها و موسوی، روز اعتراض به مدیریت بد دولت، روز افشا ریخت و پاش بخشی از بورژوازی (دولت) و اعتراض به محدودیت برای بخش دیگر، روز اثبات قهرمانی موسوی و کروبلی علیه ناکارآمدی دولت احمدی نژاد، روز تلاش برای تبدیل اول مه به روز جنبش همه گیر مردمی، روز تلاش برای احیا جنبش از پا افتاده سبز و بالاخره روز تلاش برای تبدیل طبقه کارگر به نیروی پیش برنده جنبش ارتجاعی سبز است.

بخشهای مختلف جنبش سبز در یکسال گذشته به زبانهای مختلف از مقاومت رهبران مبارزات کارگری و تشکلهای مستقل کارگری در نیپوستن به این جنبش، ابراز نگرانی کردند. رهبران سبز در کنار دلنوازی از طبقه کارگر بالاخره امسال "شورای هماهنگی جنبش سبز کارگران، کشاورزان و مستمری بگیران تامین اجتماعی جمهوری اسلامی ایران" را راه انداختند و اپوزیسیون موسوم به چپ با انتقاد از طبقه کارگر به او درس "دخالت در سیاست" و "سیاسی شدن"، ایفای نقش در جنبش جاری علیه استبداد، اسم رمز پیوستن به جنبش همگانی سبز، را میداد.

جواب رد طبقه کارگر به اعتراضات خیابانی و جنبش جاری سبز، سازمان دادن اعتراض و اعتصاب کارگری با خواستههای مستقل خود، که مورد نقد اعتراضات و سرکوبها، ردیف کردن لیست فعالین کارگری در بند و خواست آزادی آنها همه در خدمت یک هدف است آنهم پیوستن طبقه کارگر به جنبش سبز. نمیشود طبقه ای را برای جنگ خود به میدان کشید و از او تعریف و رهبران عملی طبقه کارگری برای تمجید نکرد. نمیشود در روز کارگر سازمان دادن صف مستقل خود علیه کل خواهان آزادی موسوی و کروبلی و بورژوازی است.

این توطئه خونین را باید در...

سالهاست دولت ایران با رهبران تازه قدرت رسیده و متحدین سیاسی مذهبی خود در عراق رابطه حسنه دارد. بطوریکه در طول چند سال گذشته بعد از اشغال عراق از جمله برای اثبات درجه نزدیکی با دولت ایران به کرات به افراد سازمان مجاهدین خلق مستقر در کمپ اشرف بطور وحشیانه حمله کرده و تلفات سنگینی را به دنبال داشته است و فضای ناامنی را برای چند هزار نفر بی دفاع ساکن این کمپ ایجاد کرده که همیشه این تهدید همچون شمشیر داموکلس بر بالای سر نه تنها مجاهدین خلق بلکه کل اپوزیسیون ایران نگه داشته است.

آنچه در عراق در شرف وقوع است دخالتگری هر چه بیشتر دولت ایران در آنسوی مرزها و بکارگیری پتانسیل متحدین سیاسی مذهبی خود و گسترش جغرافیای ارعاب و تروریسم دولتی اش علیه کل اپوزیسیون جمهوری اسلامی مستقر در عراق میباشد. مخاطراتی که مجاهدین را سالها تهدید کرده و کماکان میکند اکنون با آخرین حمله نیروهای عراقی به این کمپ و کتار وحشیانه ۳۴ نفر از ساکنین کمپ اشرف و بالغ بر ۳۰۰ نفر زخمی، را بمراتب جدیتر کرده است و با امضای این قرارداد جدید، دولتهای جنایتکار ایران و عراق قصد گسترش ابعاد این مخاطرات به سایر اپوزیسیون که عمدتا در شمال عراق و تحت سیطره حکومت محلی کردستان سکنا گزیده اند، را دارند. در مورد عراقیهای مقیم ایران تا آنجا که مشخص است اپوزیسیون رسمی عراق در ایران

زندگی با فعالیت نمیکند و صرفا کسانیکه از هنگام جنگ ایران و عراق در ایران اسیر شده اند یا بعد از اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ توسط نیروهای ائتلاف، احتمالا به ایران گریخته باشند، اپوزیسیون متشکل عراقی در ایران حضور ندارد تا مشمول استرداد "مجرمین" بشوند. لذا این قرارداد یک رابطه نه دو جانبه بلکه یکجانبه میباشد و آنهم پای اپوزیسیون ایرانی را در خاک عراق خواهد گرفت.

چهباید کرد؟

قبل از هر چیز این قرارداد باید از جانب همه جریانات سیاسی و اپوزیسیون ایرانی بشدت محکوم بشود و خود بر مخاطرات احتمالی آن واقف باشند. هر اتفاقی برای مخالفین جمهوری اسلامی، اتفاق بیفتد دولت عراق مستقیما مسئول است. باید نهادهای بین المللی و حقوق بشری را نسبت به ماهیت جنایتکارانه و خونین این قرارداد حساس نمود و با آمادگی هر توطئه ای را باید در نطفه خفه کرد. این قرارداد دست دولتها را در برخورد وحشیانه به فعالین سیاسی و تعرض به جان و امنیت و ادامه کاری فعالیتهای سیاسی آنان باز خواهد گذاشت.

دولتهایی که خود مجرمند و بانی تعرض به امنیت و معیشت مردم هستند و تخم کینه و مبارزه عمیقی را در میان میلیونها انسان شرافتمند این جوامع نسبت به دولتهایشان کاشته اند و اکنون قربانیان این توحش سیستماتیک دولتی که به فراسوی مرزها گریخته اند، را یکبار دیگر در معرض خطر و قربانی شدن مجدد قرار میدهند!

رادیو پرتو صدای رادیکال طبقه کارگر

ساعت پخش رادیو پرتو جمعه ها
۱۸ تا ۲۰ به وقت لندن
۱۹ تا ۲۱ به وقت اروپای مرکزی
۲۰ تا ۲۳ به وقت ایران
شما میتونید در ایام هفته شنونده تکرار برنامه در همین ساعت باشید
www.radiopartow.com/vp/

نشریه حزب کمونست کارگری حکمونیست

سردبیر: خالد حاج محمدی
www.hekmatist.com

کمونست را بخوانید

کمونست را بدست کارگران برسانید

کمونست را تکثیر و توزیع کنید

به کمونست کمک مالی کنید

هفتگی
کمونست

هرجا اتحاد کارگران و آگاهی آنها نسبت به اینکه اعضاء یک طبقه جهانی اند تقویت میشود، هرجا کمونیسم بعنوان دورنمای انقلاب کارگری در میان کارگران رسوخ میکند و با هر رفیق کارگری که به کمونیسم و به محافل و سلول های کمونیستی کارگران نزدیک میشود، یک گام به انقلاب کمونیستی نزدیک تر شده ایم. سلول ها و محافل کمونیستی کارگری که امروز تشکیل میشوند، فردا کانون های رهبری انقلاب کارگری و پایه های قدرت حکومت کارگران را تشکیل خواهند داد.

منصور حکمت

زنده باد سوسیالیسم